

ضرورت‌های تقنین در عرصه سند چشم‌انداز

(ضرورت دگرگونی راهبردی در مدیریت انرژی‌های تجدیدناپذیر)

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۹۳۶۷

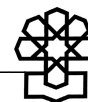
آذر ماه ۱۳۸۷

دفتر: مطالعات اقتصادی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۳.....	گفتار اول - رویکرد به منزلت نفت در قوانین و برنامه‌های توسعه در ایران.....
۷.....	گفتار دوم - سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت.....
۹.....	گفتار سوم - سهم ارزش افزوده نفت از تولید ناخالص داخلی.....
۱۲.....	گفتار چهارم - ارزیابی آثار افزایش درآمدهای نفتی روی شاخص‌های اقتصاد کلان.....
۱۵.....	گفتار پنجم - ارزیابی آثار افزایش درآمدهای نفتی روی شاخص‌های رفاه عمومی.....
۱۸.....	گفتار ششم - ضرورت دگرگونی استراتژیک در نوع نگاه به درآمد انرژی‌های تجدیدناپذیر.....
	گفتار هفتم - اصلاح و تعدیل قیمت فراورده‌های نفتی به عنوان یکی از ضرورت‌های تقنین در عرصه
۲۰.....	برنامه‌های پنج ساله.....
۲۴.....	گفتار هشتم - رسالت‌ها و مأموریت‌های اصلی تغییر رویکرد در مدیریت و برنامه‌ریزی درآمدهای نفتی.....
۲۴.....	نتیجه‌گیری.....



ضرورت‌های تقنین در عرصه سند چشم‌انداز (ضرورت دگرگونی راهبردی در مدیریت انرژی‌های تجدیدناپذیر)

چکیده

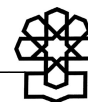
سند چشم‌انداز به دنبال عملیاتی کردن نوعی تلاش و اهتمام برای استقرار «اقتدار»، «ثبات»، «امنیت» و «بالندگی» برای نظام اقتصادی ایران است. تحقق چنین هدفی بی‌تردید نیازمند اصلاحات عمیق نهادی و توسعه‌ای است. اصلاح جایگاه حساس نفت و مدیریت بهینه مصرف درآمدهای حاصل از آن بر مبنای تعقل و منطق اقتصادی، یکی از ضروری‌ترین وجوه اصلاحات نهادی برای بالندگی نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شود و از همین جهت نقش تقنینی و نظارتی قوه مقننه را برای انجام این اصلاحات نهادی بیش از هر زمان دیگری پررنگ می‌کند. قریب به ۶۰ سال از تاریخچه نظام برنامه‌ریزی کشور سپری شده است، مع الوصف منزلت و ارج نفت و جایگاه آن هنوز مورد تدقیق قرار نگرفته است و به لحاظ همین بی‌توجهی، توسعه اقتصادی مورد انتظار در طول ۶۰ سال سپری شده هنوز اتفاق نیفتاده است.

البته با تعبیر دیگری می‌توان گفت، نفت، نقش واقعی خود را به صورت دیگری ایفا نموده است و آن اینکه به هر حال در تأمین درآمدهای دولتی نقش کلیدی داشته است، اما مفهوم حقیقی عبارات فوق آن است که عواید نفتی عمدتاً در پوشش هزینه‌های جاری دولت صرف شده است، اگر هم در برخی از دوره‌ها از درآمدهای نفتی، بیش و کم در رشد اقتصادی استفاده شده است، اما عمدتاً رشد پایدار و با نرخ‌های بالا نبوده است و در نهایت استفاده از آن به توسعه اقتصادی مورد انتظار، منجر نشده است. حال آنکه درآمدهای نفتی در یکصد سال گذشته به قیمت جاری حدود ۸۰۰ میلیارد دلار بوده که ۶۶۹ میلیارد دلار آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دست آمده است، اگر از کل ۶۸ میلیارد بشکه برداشت نفت در یکصد سال گذشته، به درستی استفاده می‌شد، در این صورت، شرایط حقیقی کشور، چگونه بود، به نوبه خود، تحقیق مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبد. اما برخی محاسبات اولیه مؤید آن است که با صرف این درآمدهای هنگفت، بایستی چند هزار (حداقل سه هزار) واحد صنعتی بزرگ تأسیس شده باشد و در این حالت، دولت می‌توانست از محل درآمدهای آنها (و کسب مالیات از آنها) منابع مالی بودجه‌های سالانه خود را تأمین نماید.

از طرف دیگر اگر وظایف دولت‌ها را در اتخاذ سیاست‌های چهاربُعدی «توزیعی»،



«تخصیصی»، «تثبیتی» و «تنظیمی» طبقه‌بندی کنیم، این گزارش در جست‌وجوی آن است که اکتساب یک سرمایه عظیم ۱۴۰ میلیارد دلاری را با سیاست‌های چهاربعدی مزبور مورد سنجش قرار دهد. شایان اشاره است که بازکاوی این گزارش در زمینه تأکید شدید بر اصلاحات نهادی و توسعه‌ای در زمینه استقرار نظام مدیریت و سازمان‌دهی مجدد جایگاه حساس نفت و چگونگی مصرف درآمدهای حاصل از آن اختصاص به دوره خاص یا دولت خاصی نداشته و آنچه که مورد تأکید است خروج از یک غفلت نهادینه شده در تاریخ ۶۰ ساله نظام برنامه‌ریزی ایران است که بتواند با استفاده از اهرم تقنینی و نظارتی قوه مقننه، در مقطع حساس فعلی یکی از الزامات بنیادین تحقق اهداف سند چشم‌انداز را عملیاتی کند.



گفتار اول - رویکرد به منزلت نفت در قوانین و برنامه‌های توسعه در ایران

با توجه به آنکه نفت یک ثروت بین نسلی بوده و در زمره انفال شناخته می‌شود و به عبارت بهتر مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی، حاکمیت اسلامی آن را باید برای مصالح عمومی مورد استفاده قرار دهد و تأکید شده است که تفصیل آن را قانون تعیین می‌کند.^۱ طبعاً باید نقش خود را به عنوان امانت‌دار به خوبی ایفا کرده و متعهد به حفظ این امانت خدادادی باشند. ایفای یک چنین تعهدی در حفظ این امانت، قاعداً مستلزم به‌کارگیری عقلانیت در مدیریت و جایگاه و مصرف بهینه درآمدهای ناشی از این ثروت بین نسلی است. اما در فرایند سپری شدن ۶۰ سال از تاریخ برنامه و برنامه‌ریزی در ایران و تغافل نسبت به جایگاه آن و علی‌رغم آنکه تجربیات جهانی ارزشمندی درمورد آن مشاهده می‌شد، این ثروت و سرمایه عظیم به جای آنکه موجبات رشد مستمر و پایدار و مولد را ایفا کرده و سبب بالندگی نظام اقتصادی کشور شود، برعکس موجبات توزیع و مصرف غیربهینه را فراهم ساخته و تداوم این رویکرد، اساساً تمامی سیاست‌های چهارگانه توزیعی، تخصیصی، تثبیتی و تنظیمی دولت، به لحاظ مدیریت غیرکارآمد آن، نقش مصرفی به خود می‌گیرد و در نهایت تنگناهای ساختاری در نظام اقتصادی ایران را سبب می‌شود.

در قوانین و برنامه‌های توسعه، رویکرد به منزلت نفت به نحو ایجاز عبارتند از:

الف) سال‌های قبل از انقلاب اسلامی

در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از وظایف و تکالیف سازمان برنامه وقت تبدیل ثروت‌های منابع طبیعی (به‌ویژه نفت) به ثروت‌های مولد و پایدار تعیین شده بود. صورت بارز این ایده در ماده (۲۲) قانون برنامه و بودجه مصوب اسفند ماه ۱۳۵۱ تجلی یافته بود که به موجب آن سیاست‌های تخصیصی حاصل از منابع و درآمدهای نفتی کشور باید مصروف طرح‌های عمرانی انتفاعی شده و پس از اتمام طرح‌های عمرانی مزبور و شروع به بهره‌برداری، منابع مزبور که به صورت وام تلقی می‌شده، اصل و فرع آن باید مستهلک می‌شد تا دوباره در فرایند سرمایه‌گذاری‌های ثابت مورد استفاده قرار گیرد. طبیعتاً با این ایده، نوعی مدیریت بهینه استفاده از درآمدهای نفتی پایه‌ریزی می‌شد و اگر این رویکرد تا به امروز تداوم می‌یافت قاعداً عمل تبدیل منابع زیرزمینی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و در نهایت رشد مستمر و پایدار به خوبی محقق می‌شد،

۱. ولی تاکنون در زمینه استفاده از عواید نفتی، براساس اصل ۴۵، قانونی به تصویب نرسیده است و در این مورد خلأ قانونی وجود دارد.



اما متأسفانه در همان زمان نیز دولت‌های وقت، اصالت این ایده را فدای روزمرگی‌های خود کردند.^۱

ب) سال‌های بعد از انقلاب اسلامی

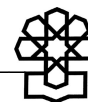
۱. شورای انقلاب طی تبصره «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۸۵ در نخستین ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای استفاده بهینه از درآمدهای نفتی، با مصوبه خود تدبیر لازم را اتخاذ نمود. همچنین در سال ۱۳۶۵ قانون نفت از مصوبه مجلس شورای اسلامی گذشت که براساس آن دولت موظف بود^۲ ظرف یک سال، اساسنامه شرکت‌های نفت، گاز و صنایع پتروشیمی را برای تصویب به مجلس ارائه نماید که با سپری شدن مدت ۲۲ سال از آن تاریخ، هنوز آنها را ارائه نکرده است. مع‌الوصف وقوع جنگ تحمیلی در همان سال ۱۳۵۹، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌هایی بود که بهانه لازم برای معوق ماندن مدیریت و سازمان‌دهی بهینه نفت و چگونگی مصرف درآمدهای ناشی از آن را فراهم کرد، اما حتی در سال‌های پس از اختتام جنگ تحمیلی و با شروع دو برنامه پنج‌ساله اول و دوم، مدت زمان طولانی ۱۰ ساله نیز نتوانست ایده و ذهنیت نظام‌مند کردن اقتصاد نفتی کشور را سروسامان ببخشد.

۲. شاید برنامه سوم پنج‌ساله توسعه کشور را بتوان اولین برنامه پس از انقلاب اسلامی دانست که با تشکیل حساب ذخیره ارزی توانست سهم کوچکی در پایه‌ریزی رویکرد نظام‌مندسازی چگونگی مصرف درآمدهای نفتی ایفا کند. البته باید قویاً تأکید نمود که نخستین حساب ذخیره مملکتی که کل درآمدهای نفتی در آن واریز می‌شد در سال ۱۳۰۸ تشکیل شد و این حساب تا سال ۱۳۲۰ وجود داشته است و برداشت از آن تنها به موجب قانون میسر بوده است در حالی‌که به حساب ذخیره ارزی برنامه سوم و چهارم توسعه، مازاد درآمدهای ارزی واریز می‌شد، اما در حساب ذخیره مملکتی، کل عواید نفتی واریز می‌شد.

۳. در سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه چهارم توسعه نیز که ابلاغیه مقام معظم رهبری محسوب می‌شود، رویکردهای تبدیل اقتصاد متکی به نفت به «اقتصاد مبتنی بر نفت» به شرح زیر چنین مقرر کرده است:

۱. به‌گونه‌ای که نه تنها این ایده عملاً پایدار نماند، بلکه عملاً وابستگی بودجه و دولت به نفت تشدید شد، کما اینکه وابستگی به نفت در سال ۱۳۵۴ قریب به ۸۰ درصد رسید و در نتیجه از همان زمان با استفاده از درآمدهای نفتی در بودجه اندازه دولت شروع به بزرگ شدن نمود.

۲. البته قانون نفت و قانون تشکیل وزارت نفت تنها به مسئله سپردن قسمتی از حاکمیت در مخازن نفتی اشاره دارد و قانونی نمی‌باشد که بتوان آن را براساس اصل ۴۵ به عواید نفتی رجوع داد، به عبارت بهتر، لازم است قانون‌گذار در این زمینه، طی قانونی مشخص، وضعیت استفاده از عواید نفتی را مشخص کند به‌ویژه آنکه تاکنون، دولت در زمینه استفاده از عواید نفتی، امانت‌دار خوبی نبوده است.



بند «۴۲»

حرکت در جهت تبدیل درآمدهای نفت و گاز به دارایی‌های مولد به منظور پایدارسازی فرایند توسعه و تخصیص و بهره‌برداری بهینه از منابع.

بند «۵۰»

اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت.

بند «۵۱»

تلاش برای قطع اتکای هزینه‌های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه‌گذاری‌ها براساس کارایی و بازدهی.

۴. در سند چشم‌انداز نیز تغییر رویکرد رشد و توسعه اقتصادی کشور از منابع طبیعی (نظیر نفت و گاز) و خام‌فروشی به دانش، فناوری و سهم برتر منابع انسانی در تولید ملی، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم برای تحقق رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی تأکید شده است.

۵. به این ترتیب به‌طوری که ملاحظه می‌شود در هیچ مقطعی از تاریخی ۶۰ ساله نظام برنامه‌ریزی کشور، علی‌رغم آنکه در مقطعی برای نظام‌مند ساختن اقتصاد نفتی ایران ذهنیت‌ها و رویکردهای اساسی مورد نیاز به مرحله تولید اندیشه و سپس تصویب قانونی رسید،^۱ مع‌الوصف نمی‌توان برای هیچ‌یک از دولت‌های ۶۰ ساله نظام برنامه‌ریزی ایران، مقطعی را به‌عنوان یک نقطه عطف تاریخی احصا کرد. کما اینکه با سپری شدن ۳ سال از شروع برنامه چهارم هنوز سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری، عملیاتی نشده و راهکارهای اجرایی آن پیاده نشده است.

۶. سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز، ضمن آنکه احکام لازم را برای مدیریت بهینه و سازمان‌دهی مجدد منابع و درآمدهای نفتی ابلاغ کرده است، مع‌الوصف تدابیر و رویکردهای مهم دیگری را برای آنکه دولت بتواند منابع مالیاتی لازم را برای اداره امور کشور به‌دست آورد، احصا کرده است. این تمهیدات شامل پررنگ‌تر کردن و ارتقای نقش بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های اقتصادی و تعیین نقش هدایتی - حمایتی - نظارتی و بسترسازی برای دولت است تا از طریق ارتقای توانمندی‌های بخش خصوصی و مردمی و افزایش تولید ناخالص داخلی، افزایش ظرفیت‌های

۱. البته در اسفند ۱۳۲۶ با تصویب مجلس وقت مقرر می‌گردد که ظرف مدت ۱۰ سال، کل عواید نفتی در حسابی به نام حساب برنامه واریز و تنها برای طرح‌ها استفاده شود و در آن تصریح می‌شود که برای سال اول ۴۰ درصد، سال دوم ۷۰ درصد و در سال سوم ۱۰۰ درصد از عواید نفت در این حساب واریز شود و اساساً این مصوبه پایه شکل‌گیری سازمان برنامه می‌شود، به‌طوری‌که علی‌رغم مقاومت دولت در برابر این مصوبه در برنامه سوم و چهارم متجاوز از ۹۰ درصد درآمدهای نفتی در امور عمرانی مصروف شد اما در برنامه پنجم با افزایش درآمدهای ارزی و مداخله شدید شاه، شالوده امور به هم ریخت.



مالیاتی بالقوه و بالفعل محقق شده و منابع مالیاتی مورد نیاز برای اداره امور عمومی کشور فراهم شود، اهم این احکام در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری عبارتند از:

بند «۴۵»

«تثبیت فضای اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاری با اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن».

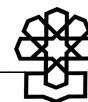
بند «۴۶»

- ارتقای بازار سرمایه ایران و اصلاح ساختار بانکی و بیمه‌ای کشور با تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین،
- ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران با حفظ مسئولیت‌پذیری آنان.

بند «۴۷»

«توانمندسازی بخش خصوصی و تعاونی به‌عنوان محرک رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴».

۷. انتظار می‌رود دولت نهم که رویکرد عدالت‌محور را به‌عنوان استراتژی خود اتخاذ کرده است فرایند غیرعادلانه توزیع این ثروت خدادادی را اصلاح کرده و بیش از هر دولت دیگری جایگاه حساس این کالای حیاتی را نظام‌مند کند. تصور می‌شود اصلاح قیمت‌ها یکی از راهکارهای عملیاتی شدن عادلانه توزیع و مصرف این ثروت باشد.



گفتار دوم - سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت

یکی از دلایلی که ثابت می‌کند نفت و درآمدهای حاصله از آن، همواره یکی از منابع اصلی درآمدهای دولت بوده، مطالعه شاکله‌های درآمدی دولت و سهم هریک از این شاکله‌ها از کل درآمدهای دولت است. در این خصوص جدول ۱ به‌خوبی گویای این حقیقت است. جدول مزبور، فراز و نشیب سهم نفت، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها را در طول سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۶۸ نشان می‌دهد. انتخاب سال ۱۳۵۲ به‌عنوان سال شروع بررسی، به لحاظ وقوع تحول بزرگی بوده است که در قیمت‌های جهانی نفت، برای ایران حاصل شد.

جدول ۱. سهم هر یک از درآمدها از کل درآمدهای دولت در طول ۱۳۵۲-۱۳۶۸ (میلیارد ریال)

سال	اجزای مهم درآمدهای دولت						سهم هریک از درآمدها از کل درآمدهای دولت
	درآمدهای نفت*	درآمدهای مالیاتی	سایر درآمدها	کل درآمدهای دولت	سهم نفت (درصد)	سهم مالیات‌ها (درصد)	سهم سایر درآمدها (درصد)
۱۳۵۲	۳۱۱/۳	۱۳۱/۲	۲۲/۳	۴۶۴/۸	۶۷	۲۸	۵
۱۳۵۳	۱۲۰۵/۲	۱۵۷/۸	۳۱/۴	۱۳۹۴/۴	۸۶	۱۱	۳
۱۳۵۴	۱۲۴۶/۸	۲۷۰/۸	۶۴/۵	۱۵۸۲/۱	۷۹	۱۷	۴
۱۳۵۵	۱۴۲۱/۵	۳۴۲/۹	۷۲/۰	۱۸۳۶/۴	۷۷	۱۹	۴
۱۳۵۶	۱۴۹۷/۸	۴۴۳/۶	۹۲/۸	۲۰۳۴/۲	۷۴	۲۲	۴
۱۳۵۷	۱۰۱۳/۲	۴۶۵/۹	۱۱۹/۸	۱۵۹۸/۹	۶۳	۲۹	۸
۱۳۵۸	۱۲۱۹/۷	۳۶۸/۳	۱۱۱/۶	۱۶۹۹/۶	۷۲	۲۲	۶
۱۳۵۹	۸۸۸/۸	۳۴۰/۴	۹۶/۷	۱۳۲۵/۹	۶۷	۲۶	۷
۱۳۶۰	۱۰۵۶/۴	۵۵۴/۱	۱۵۹/۶	۱۷۷۰/۱	۶۰	۳۱	۹
۱۳۶۱	۱۶۸۹/۵	۶۱۳/۹	۱۹۸/۵	۲۵۰۱/۹	۶۸	۲۵	۷
۱۳۶۲	۱۷۷۹/۴	۷۹۶/۵	۱۹۷/۶	۲۷۷۳/۷	۶۴	۲۹	۷
۱۳۶۳	۱۴۰۷/۷	۸۹۸/۷	۴۰۸/۴	۲۷۱۴/۸	۵۲	۳۳	۱۵
۱۳۶۴	۱۲۰۸/۶	۱۰۳۳/۷	۴۲۳/۹	۲۶۶۶/۲	۴۵	۳۹	۱۶
۱۳۶۵	۴۳۷/۷	۱۰۲۴/۶	۲۴۸/۰	۱۷۰۷/۳	۲۵	۶۰	۱۵
۱۳۶۶	۸۵۳/۲	۱۰۳۰/۲	۲۸۸/۱	۲۱۷۱/۵	۳۹	۴۷	۱۴
۱۳۶۷	۸۰۹/۳	۹۸۶/۵	۲۸۹/۶	۲۰۸۵/۴	۳۹	۴۷	۱۴
۱۳۶۸	۱۵۱۵/۱	۱۱۸۷/۸	۴۷۱/۷	۳۱۷۴/۶	۴۸	۳۷	۱۵
۱۳۶۹	۳۳۷۵/۱	۱۶۹۵/۰	۵۶۲/۴	۵۶۳۲/۵	۶۰	۳۰	۱۰
۱۳۷۰	۳۵۴۹/۴	۲۷۶۵/۲	۶۱۸/۹	۶۹۳۳/۵	۵۱	۴۰	۹
۱۳۷۱	۵۱۴۵/۹	۳۷۷۵/۵	۹۶۳/۱	۹۸۸۴/۵	۵۲	۳۸	۱۰
۱۳۷۲	۱۴۶۸۳/۲	۴۰۶۱/۳	۱۵۰۶/۲	۲۰۲۵۰/۷	۷۳	۲۰	۷
۱۳۷۳	۲۱۴۷۹/۷	۵۴۹۰/۸	۲۲۷۴/۰	۲۹۲۴۴/۵	۷۳	۱۹	۸
۱۳۷۴	۲۹۴۳۱/۲	۷۳۱۳/۰	۴۶۸۳/۵	۴۱۴۲۷/۷	۷۱	۱۸	۱۱
۱۳۷۵	۳۸۱۵۳/۰	۱۲۵۶۰/۲	۶۴۰۸/۷	۵۷۱۲۱/۹	۶۷	۲۲	۱۱



سال	اجزای مهم درآمدهای دولت						سهم هریک از درآمدها از کل درآمدهای دولت
	درآمدهای نفت*	درآمدهای مالیاتی	سایر درآمدها	کل درآمدهای دولت	سهم نفت (درصد)	سهم مالیات‌ها (درصد)	سهم سایر درآمدها (درصد)
۱۳۷۶	۳۶۴۴۶/۷	۱۷۳۴۴/۶	۸۵۸۶/۸	۶۲۳۷۸/۱	۵۸	۲۸	۱۴
۱۳۷۷	۲۲۵۳۰/۰	۲۴۸۸۱/۶	۶۲۱۴/۴	۵۳۶۲۶/۰	۴۲	۴۶	۱۲
۱۳۷۸	۴۴۱۷۰/۴	۴۰۲۶۵/۷	۷۸۷۹/۶	۹۲۳۱۵/۷	۴۸	۴۴	۸
۱۳۷۹	۵۹۴۴۸/۵	۳۶۵۸۵/۲	۸۶۰۷/۱	۱۰۴۶۴۰/۸	۵۷	۳۵	۸
۱۳۸۰	۷۴۹۵۷/۱	۴۱۷۸۶/۱	۱۱۷۳۶/۳	۱۲۵۹۹۶/۶	۵۹	۳۳	۸
۱۳۸۱	۱۵۲۳۸۹/۴	۵۰۵۸۶/۵	۱۱۹۴۳/۸	۲۲۹۹۶۳/۰	۶۶	۲۱	۱۳
۱۳۸۲	۱۶۹۹۴۴/۰	۶۵۰۹۹/۰	۱۴۶۱۴/۶	۲۶۳۳۷۵/۰	۶۴	۳۴	۲
۱۳۸۳	۲۰۴۵۵۹/۸	۸۴۴۲۱/۱	۲۰۱۶۵/۹	۳۲۷۳۱۸/۰	۶۲	۳۵	۳
۱۳۸۴	۳۱۶۲۷۶/۸	۱۰۲۷۰۶/۰	۶۶۷۵۲/۶	۴۷۰۹۹۰/۰	۶۷	۳۱	۲
۱۳۸۵	۳۷۴۱۰۸/۸	۱۲۵۴۸۷/۰	۸۰۴۲۵/۹	۵۷۴۹۸۹/۰	۶۵	۳۱	۴
۱۳۸۶	۳۴۸۷۴۱/۰	۱۷۴,۴۰۲	۱۰۶۴۶۶	۶۲۹۶۰۹/۰	۵۵/۴	۲۷/۷	۱۶/۹

مأخذ: پرتال آماری بانک مرکزی، www.cbi.ir و گزارش مالی دولت.

* با احتساب مالیات بر عملکرد شرکت ملی نفت ایران.

به‌طوری‌که از جدول ۱ استنباط می‌شود، اتکا به درآمدهای نفتی علی‌رغم فراز و نشیب‌های آن در غالب سال‌ها در سطحی بین ۶۰ تا ۸۰ درصد را شامل می‌شود. در برخی از سال‌ها، سهم درآمدهای نفتی نسبت به کل درآمدهای دولت در مقیاس‌های پایینی مثل ۲۵ درصد (سال ۱۳۶۵) یا ۳۹ درصد (نظیر سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸) ظاهر شده است، اما نباید این توهم حاصل شود که سهم‌های پایین مزبور به‌لحاظ رویکردهای اصلاحی در ساختار مدیریت درآمدهای نفتی بوده است، علت این امر افت بهای نفت در سطح بازارهای بین‌المللی بوده است.

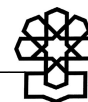
جدول ۲، متوسط سالیانه اتکا به درآمدهای نفتی (سهم درآمدهای نفتی نسبت به کل درآمدهای عمومی دولت) را در سه مقطع نشان می‌دهد.

جدول ۲. نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت در سه دوره مختلف

متوسط سالیانه (درصد)	دوره
۶۱/۸	۱۳۷۵-۱۳۶۸
۵۷/۰	۱۳۸۳-۱۳۷۶
۶۲/۱	۱۳۸۶-۱۳۸۴

مأخذ: برگرفته از ارقام تفصیلی جدول ۱ براساس پرتال آماری بانک مرکزی.

به‌هر حال منابع و مصارف دولت، قاعداً باید از طریق مالیات‌ها و سایر درآمدهای غیرنفتی متوازن گردد و درآمد نفت اصولاً باید در حساب مشخصی و توسط نهاد یا هیئت امنایی به تصویب مجلس و با نظارت مجلس در طرح‌ها و پروژه‌های با ارزش‌افزوده بالا استفاده شود.



گفتار سوم - سهم ارزش افزوده نفت از تولید ناخالص داخلی

سهم ارزش افزوده نفت از تولید ناخالص داخلی، یکی از شاخص‌هایی است که به عنوان یکی از متغیرهای اقتصاد کلان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جدول ۳ نسبت ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد. نسبت مزبور در مقایسه با نرخ رشد اقتصادی مؤید آن است که ارزش افزوده نفت سهم کمی در رشد تولید ناخالص داخلی ایران دارد، هرچند که اهمیت ویژه‌ای را در اقتصاد ایران ایفا می‌کند. این امر نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم افزایش درآمدهای نفتی، نرخ رشد اقتصادی ایران همچنان کند و ناپایدار بوده و نرخ مزبور علی‌رغم سال‌هایی که درآمدهای نفتی ایران به هر دلیل (اعم از کاهش صادرات یا کاهش قیمت‌ها) پایین بوده است، در هر دو حالت نتوانسته است رشدهای اقتصادی بالاتر از عملکردهای ۶ الی ۷ درصدی عملکرد خود را تجربه کند.

جدول ۳. مقایسه نسبت ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی با نرخ رشد اقتصادی

(به قیمت‌های ثابت ۱۰۰ = ۱۳۷۶) (میلیارد ریال)

سال	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های پایه	ارزش افزوده نفت	سهم ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی	نرخ رشد اقتصادی
۱۳۵۲	۱۷۴,۶۶۸	۸۲,۱۷۳	۴۷	۷/۴
۱۳۵۳	۱۹۶,۵۸۱	۸۱,۸۰۴	۴۱	۱۲/۵
۱۳۵۴	۲۰۶,۱۱۴	۷۱,۸۸۵	۳۵	۴/۸
۱۳۵۵	۲۴۲,۳۲۶	۸۱,۴۴۱	۳۳	۱۷/۵
۱۳۵۶	۲۳۶,۴۶۵	۷۴,۸۶۷	۳۱	-۲/۳
۱۳۵۷	۲۱۹,۱۹۱	۵۳,۱۶۰	۲۴	-۷/۳
۱۳۵۸	۲۰۹,۹۱۹	۴۱,۲۹۷	۱۹	-۴/۲
۱۳۵۹	۱۷۸,۱۴۹	۱۳,۴۹۷	۷	-۱۵/۳
۱۳۶۰	۱۷۰,۲۸۱	۱۴,۴۳۲	۸	-۴/۴
۱۳۶۱	۱۹۱,۶۶۷	۳۲,۹۲۷	۱۷	۱۲/۵
۱۳۶۲	۲۱۲,۸۷۷	۳۳,۵۸۸	۱۶	۱۱/۰
۱۳۶۳	۲۰۸,۵۱۶	۲۶,۶۸۷	۱۳	-۲/۰
۱۳۶۴	۲۱۲,۶۸۶	۲۷,۱۶۴	۱۳	۲/۰
۱۳۶۵	۱۹۳,۲۳۵	۲۳,۴۳۱	۱۲	-۹/۱
۱۳۶۶	۱۹۱,۳۱۲	۲۶,۸۱۵	۱۴	-۱/۰
۱۳۶۷	۱۸۰,۸۲۵	۲۹,۱۶۶	۱۶	-۵/۴
۱۳۶۸	۱۹۱,۵۰۳	۳۱,۲۴۸	۱۶	۵/۹
۱۳۶۹	۲۱۸,۵۳۹	۳۷,۳۶۷	۱۷	۱۴/۱
۱۳۷۰	۲۴۵,۰۳۶	۴۲,۶۱۰	۱۷	۱۲/۱
۱۳۷۱	۲۵۴,۸۲۲	۴۲,۶۲۲	۱۷	۳/۹



سال	تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های پایه	ارزش افزوده نفت	سهم ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی	نرخ رشد اقتصادی
۱۳۷۲	۲۵۸,۶۰۱	۴۴,۷۵۸	۱۷	۱/۴
۱۳۷۳	۲۵۹,۸۷۶	۴۲,۱۱۶	۱۶	۰/۴۹
۱۳۷۴	۲۶۷,۵۳۴	۴۲,۷۲۹	۱۶	۲/۹
۱۳۷۵	۲۸۳,۸۰۷	۴۳,۰۴۵	۱۵	۶/۰
۱۳۷۶	۲۹۱,۷۶۹	۴۰,۷۶۳	۱۴	۲/۸
۱۳۷۷	۳۰۰,۱۴۰	۴۱,۷۳۶	۱۴	۲/۸
۱۳۷۸	۳۰۴,۹۴۱	۳۹,۵۱۵	۱۳	۱/۶
۱۳۷۹	۳۲۰,۰۶۹	۴۲,۷۹۵	۱۳	۴/۹
۱۳۸۰	۳۳۰,۵۶۵	۳۸,۰۵۳	۱۱	۳/۳
۱۳۸۱	۳۵۵,۵۵۴	۳۹,۴۰۵	۱۱	۷/۵
۱۳۸۲	۳۷۹,۸۲۸	۴۴,۶۹۴	۱۱/۸	۶/۸
۱۳۸۳	۳۹۸,۲۳۴	۴۵,۸۷۱	۱۱/۵	۴/۸
۱۳۸۴	۴۲۰,۹۲۷	۴۶,۱۴۴	۱۱	۵/۷
۱۳۸۵	۴۴۶,۸۸۰	۴۷,۵۴۶	۱۰/۶	۶/۲
۱۳۸۶	۴۷۷,۶۸۳	۴۷,۹۴۷	۱۰	۶/۹

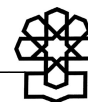
مأخذ: پرتال آماری بانک مرکزی، www.cbi.ir

شایان اشاره است که سهم بالای ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی به لحاظ آن است که تولید سال‌های مزبور به فراتر از ۵ میلیون بشکه در روز بالغ می‌شد. اما دلیل مهم‌تر آن است که سهم سایر عوامل در تولید ناخالص داخلی، چندان بالا نبوده است. این نکته قویاً تأکید می‌شود: اینکه فی‌المثل در سال ۱۳۵۳ نسبت ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی ۴۱ درصد بوده، به معنای وضع خوب آن زمان نمی‌باشد. زیرا اولاً سهم سایر عوامل در تولید ناخالص داخلی پایین بوده است. ثانیاً عملاً می‌بینیم که وابستگی بودجه دولت به نفت طبق مستندات جدول ۲ به ۸۶ درصد می‌رسد و به علت تورم بالا، حجم واردات دولت افزایش می‌یابد و در نتیجه صنایع نوپای کشور دچار بحران می‌شوند. لذا ضمن بزرگ شدن اندازه دولت، وابستگی دولت به نفت نیز زیاد می‌شود.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی تولید به ۱/۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته و سپس در سال‌های بعد، به کندی روندی بالنسبه افزایشی پیدا کرده به گونه‌ای که تا زمان تهیه این گزارش به ۴-۵ میلیون بشکه در روز رسیده است.^۱

از طرف دیگر علت پایین بودن سهم ارزش افزوده بخش نفت به تولید ناخالص داخلی آن است

۱. بولتن سالیانه آمار اوپک ۲۰۰۶.



که نفت خام در زمره کالاهای واسطه‌ای در پروسه تولید محسوب می‌شود، از این جهت طبیعی است که خام‌فروشی آن نمی‌تواند ارزش‌افزوده بالایی تولید کند، بلکه به‌منظور دستیابی به حداکثر ارزش‌افزوده باید ماده خام مزبور را به بیشترین فراورده‌ها و محصولات صنعتی و نفتی تبدیل کرد. در بخش پایین‌دستی که حلقه نخستین آن پالایش نفت خام است، فراورده‌های متعددی مانند نفت سفید، بنزین، گازوئیل، نفت کوره، نفت حرارتی، گاز نفتی مایع و محصولات جانبی دیگر غیر انرژی‌زا نظیر آسفالت و گریس، انواع حشره‌کش‌ها یا محصولات مورد نیاز بخش کشاورزی، نظیر دفع آفات نباتی و نظایر آنها را می‌توان به‌دست آورد.

علاوه بر این، طیف وسیعی از ماده اولیه صنایع پتروشیمی همان فراورده‌های نهایی فعالیت‌های پالایشی هستند که اتیلن، متانول، آمونیاک، بنزن، بوتان، پروپیلن از آن جمله‌اند. گفته می‌شود متجاوز از چهار هزار نوع فراورده‌های مختلف پتروشیمی وجود دارد.^۱ از همین جهت این یک حقیقت انکارناپذیر است که برای دستیابی به حداکثر ارزش‌افزوده، نفت خام باید به محصولات نفتی متعددی تبدیل شود و طبعاً صرف خام‌فروشی آن نمی‌تواند ارزش‌افزوده بالایی تولید کند.

۱. مسعود، درخشان، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی، انرژی، ۱۳۸۳، ص ۶۲.



گفتار چهارم - ارزیابی آثار افزایش درآمدهای نفتی روی شاخص‌های اقتصاد کلان

هرچند غالباً این‌طور اظهار می‌شود که درآمد جمهوری اسلامی ایران از محل فروش نفت در سه سال اخیر به بیش از دو برابر سال‌های قبل افزایش یافته، مع‌الوصف ملموس بودن آثار این افزایش درآمد، در زندگی روزمره مردم آن‌طور که انتظار می‌رود، به‌استناد برخی از شاخص‌های اقتصادی، مشاهده نمی‌شود ولی حقیقت مطلب آن است که این موضوع اختصاص به دولت مقطع خاصی نداشته و علی‌الاصول در مقاطع قبلی نیز به‌ویژه از سال ۱۳۶۸ تاکنون به‌استناد شاخص‌های اقتصادی مشروحه زیر، اقتصاد ایران نتوانسته است به جهش قابل توجهی دست یابد.

جدول ۴ به‌عنوان سرآغاز این بحث، رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در مقایسه با میزان صادرات نفت و گاز را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نمایش میزان صادرات نفت و گاز و مقایسه آن با رشد تولید ناخالص داخلی

و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (واحد: میلیون دلار)

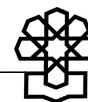
مقاطع زمانی	سال	صادرات نفت و گاز	درآمدهای ناشی از نفت در بودجه دولت	رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های پایه ۱۳۷۶ = ۱۰۰ (درصد)	رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی ۱۳۷۶ = ۱۰۰ (درصد)
۱۳۶۸-۱۳۷۵	۱۳۶۸	۱۲,۰۳۷	۱,۰۸۰	۵/۹	۷/۴
	۱۳۶۹	۱۷,۹۹۳	۲,۲۱۳	۱۴/۲	۱۳/۸
	۱۳۷۰	۱۶,۰۱۲	۲,۳۱۲	۱۲/۱	۴۶/۲
	۱۳۷۱	۱۶,۸۸۰	۳,۱۶۸	۳/۹	-۳/۵
	۱۳۷۲	۱۴,۳۳۳	۷,۷۶۰	۱/۴	-۱۰/۳
	۱۳۷۳	۱۴,۶۰۳	۸,۲۵۵	۰/۴۹	-۱۴/۲
	۱۳۷۴	۱۵,۱۰۳	۷,۲۶۸	۲/۹	-۴/۵
	۱۳۷۵	۱۹,۲۷۱	۸,۵۸۳	۶/۰	۲۵
۱۳۷۶-۱۳۸۳	۱۳۷۶	۱۵,۴۷۱	۷,۶۲۳	۲/۸	۱۲/۵
	۱۳۷۷	۹,۹۳۳	۳,۴۸۳	۲/۸	۳/۲
	۱۳۷۸	۱۷,۰۸۹	۵,۱۰۲	۱/۶	۵/۸
	۱۳۷۹	۲۴,۲۸۰	۷,۲۶۰	۴/۹	۴/۱
	۱۳۸۰	۱۹,۳۳۸	۸,۹۸۵	۳/۳	۱۴/۲
	۱۳۸۱	۲۲,۹۶۵	۱۲,۸۹۵	۷/۵	۱۱/۹
	۱۳۸۲	۲۷,۳۵۵	۱۶,۷۱۰	۶/۸	۱۰/۷
	۱۳۸۳	۳۶,۳۱۵	۲۴,۱۸۷	۴/۸	۷/۰
۱۳۸۴-۱۳۸۶	۱۳۸۴	۵۳,۸۲۰	۳۴,۷۷۳	۵/۴	۵/۱
	۱۳۸۵	۶۲,۴۵۸	۴۱,۸۰۰	۶/۲	۳/۳
	۱۳۸۶	*۷۲,۰۰۰	۳۹,۱۸۴	۶/۹	۶

مأخذ:

۱. www.cbi.ir، پرتال آماری بانک مرکزی.

۲. گزارش تحولات اقتصادی ایران در بخش واقعی - سال ۱۳۸۶، بانک مرکزی، مرداد ۱۳۸۷.

* منتشرنشده و غیررسمی.



به طوری که از اطلاعات تفصیلی مندرج در جدول فوق ملاحظه می شود، علی رغم فراز و نشیب ها و تغییرات و تحولاتی که در درآمدهای نفتی کشور حاصل شده است، مع الوصف تغییرات دو شاخص کلیدی اقتصاد کلان یعنی تولید ناخالص داخلی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تحولات چشمگیری متفاوتی را در دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۶ نشان نمی دهد.

برای مثال ۱۵/۵ میلیارد دلار صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۷۶ و ۹/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۷ علی رغم تفاوت های فاحش فقط ۲/۸ درصد رشد تولید ناخالص داخلی را فراهم کرده اند و این در حالی است که ۱۷ میلیارد دلار صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۷۸ هم ۱/۶ درصد رشد تولید ناخالص داخلی را سبب شده اند.

همچنین ورود ۶۲/۵ میلیارد دلار صادرات نفت و گاز در اقتصاد سال ۱۳۸۵ موجب رشد ۶/۲ درصدی و حال آنکه ۲۷/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۲ و ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ موجب رشد به ترتیب ۶/۸ درصد و ۶/۰ درصد در تولید ناخالص داخلی شده اند. لذا این امر مؤید آن است که علی رغم تغییرات شدید صادرات نفت و گاز، رشدهای متفاوتی که دارای تغییرات بارزی باشند، حاصل نشده است.

مع الوصف چنانچه قرار باشد از سطح اطلاعات تفصیلی بیرون آمده و از بعد کلان مقاطع سه گانه مزبور مورد مقایسه قرار گیرند، از اطلاعات تفصیلی جدول ۴ می توان جدول ۵ را در سطح کلان به دست آورد.

جدول ۵. نمایش کلان چند متغیر مهم در سه مقطع زمانی (درصد)

شاخص های کلان	مقطع ۱۳۷۵-۱۳۶۸		مقطع ۱۳۸۳-۱۳۷۶		مقطع ۱۳۸۶-۱۳۸۴
	هشت ساله	دو سال اول	هشت ساله	دو سال اول	دو سال اول
صادرات نفت و گاز (میلیارد دلار)	۱۲۶/۲	۳۰/۰	۱۷۲/۷	۲۵/۴	*۱۱۶/۲
رشد تولید ناخالص داخلی ** (درصد)	۳/۸	۹/۱	۳/۸	۲/۸	۵/۸
رشد تشکیل سرمایه ثابت (درصد)	۵/۹***	۱۰/۱	۷/۷	۶/۳	۴/۱

مأخذ: مستخرجه از جدول ۴ مستند به پرتال آماری بانک مرکزی www.cbi.ir

* نظر به اینکه صادرات نفت و گاز سال ۱۳۸۶ هنوز به صورت رسمی و مکتوب منتشر نشده است، لذا مقطع مزبور به صورت دو ساله ۱۳۸۴-۱۳۸۵ مورد محاسبه قرار گرفت.

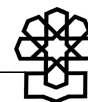
** رشدهای متوسط سالیانه براساس میانگین هندسی با استفاده از لگاریتم مورد محاسبه قرار گرفته اند.

*** نظر به اینکه در بین اعداد رشد این مقطع، اعداد منفی وجود دارد، لذا رشد متوسط سالیانه براساس ارقام اصلی (میلیارد ریال)

$$\text{از روش } r = \left(\sqrt[n]{\frac{P_t}{P_0}} - 1 \right) \times 100 \text{ محاسبه شده اند.}$$



این جدول نیز مؤید آن است که علی‌رغم افزایش درآمدهای نفتی یا اصولاً تغییرات و تحولات آن، این درآمد اثربخشی لازم را بر شاخص‌های کلان و زندگی روزمره عمومی نداشته است؛ زیرا در شرایطی که درآمدهای نفتی دو ساله اول مقاطع (۱۳۷۶-۱۳۸۳) و (۱۳۶۸-۱۳۷۵) به‌ترتیب ۲۵/۴ و ۳۰ میلیارد دلار و تفاوت اندکی با یکدیگر داشته‌اند رشدهای ۲/۸ درصد و ۹/۱ درصدی را با تفاوت بسیار به همراه داشته‌اند و در همین حال علی‌رغم درآمدهای نفتی ۱۱۶/۲ میلیارد دلاری در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۶ که تفاوت چشم‌گیری را با مقاطع دوساله دوره‌های قبلی خود داشته‌اند، رشد ۵/۸ درصدی را به‌دست داده است و به همین منوال نیز نمی‌توان در زمینه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز علی‌رغم تغییر و تحولات شدید در درآمدهای نفتی، نتایج کاملاً متفاوتی را مشاهده نمود.



گفتار پنجم - ارزیابی آثار افزایش درآمدهای نفتی روی شاخص‌های رفاه عمومی

ضریب جینی، نرخ تورم، نرخ بیکاری، در زمره شاخص‌های کلیدی سنجش‌های رفاه عمومی تلقی می‌شوند. جداول صفحات بعد، روند عمومی تغییرات شاخص‌های مزبور را در مقایسه با حجم درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز به‌خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۶. نمایش رابطه درآمدهای نفتی با شاخص‌های رفاه عمومی (ضریب جینی، دهک‌ها، تورم و بیکاری)

مقاطع	سال	صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)	ضریب جینی	نسبت ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	نرخ تورم (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)
۱۳۶۸-۱۳۷۵	۱۳۶۷	-	۰/۴۰۴۳۰	۱۷/۳۰ برابر	۲۹/۰	-
	۱۳۶۸	۱۲,۰۳۷	۰/۴۰۹۲۰	۱۷/۶۰	۱۷/۴	۱۴/۱
	۱۳۶۹	۱۷,۹۹۳	۰/۳۹۶۹۰	۱۵/۹۰	۹	۱۲/۸
	۱۳۷۰	۱۶,۰۱۲	۰/۳۹۹۶۰	۱۶/۳۰	۲۰/۷	۱۱/۱
	۱۳۷۱	۱۶,۸۸۰	۰/۳۸۷۰۰	۱۵/۹۰	۲۴/۴	۱۱/۳
	۱۳۷۲	۱۴,۳۳۳	۰/۳۹۷۶۰	۱۶/۰	۲۲/۹	۱۱/۵
	۱۳۷۳	۱۴,۶۰۳	۰/۳۹۹۳۰	۱۵/۷۰	۳۵/۲	۱۱/۱
	۱۳۷۴	۱۵,۱۰۳	۰/۴۰۷۴۰	۱۶/۱۰	۴۹/۴	۱۰/۳
	۱۳۷۵	۱۹,۳۷۱	۰/۳۹۱۰۰	۱۴/۵۰	۲۳/۲	۸/۹
۱۳۷۶-۱۳۸۳	۱۳۷۶	۱۵,۴۷۱	۰/۴۰۲۹۰	۱۵/۷۰	۱۷/۳	۱۱/۵
	۱۳۷۷	۹,۹۳۳	۰/۳۹۶۵۰	۱۴/۲۰	۱۸/۱	۱۲/۷
	۱۳۷۸	۱۷,۰۸۹	۰/۴۰۰۹۰	۱۵/۴۰	۲۰/۱	۱۳/۱
	۱۳۷۹	۲۴,۲۸۰	۰/۳۹۹۱۰	۱۵/۰۰	۱۲/۶	۱۴
	۱۳۸۰	۱۹,۳۳۸	۰/۳۹۸۵۰	۱۴/۴۰	۱۱/۴	۱۴/۷
	۱۳۸۱	۲۲,۹۶۵	۰/۴۱۹۱۰	۱۶/۹۰	۱۵/۸	۱۳/۸
	۱۳۸۲	۲۷,۳۵۵	۰/۴۱۵۶۰	۱۶/۲۰	۱۵/۶	۱۲/۹
	۱۳۸۳	۳۶,۳۱۵	۰/۳۹۹۶۰	۱۴/۶۰	۱۵/۲	۱۲/۲
۱۳۸۴-۱۳۸۶	۱۳۸۴	۵۳,۸۲۰	۰/۴۰۲۳۰	۱۴/۵۰	۱۰/۴	۱۱/۵
	۱۳۸۵	۶۲,۴۵۸	۰/۴۰۰۴۰	۱۴/۹۰	۱۱/۹	۱۱/۲
	۱۳۸۶	Na	Na	Na	۱۸/۴	۱۰/۵

مآخذ:

۱. پرتال آماری بانک مرکزی. www.cbi.ir.
۲. گزارش‌های شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی - بانک مرکزی (نرخ تورم).
۳. گزارش شماره ۱۲۴۹/۱ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳ بانک مرکزی (ضریب جینی).
۴. مرکز آمار ایران، پرتال آماری. www.sci.org (نرخ بیکاری).



جدول ۷. مقایسه رابطه درآمدهای نفتی با عملکرد شاخص‌های رفاه عمومی در چند مقطع مختلف *

شاخص‌های کلان	دوره (۱۳۶۸-۱۳۷۵)		دوره (۱۳۷۶-۱۳۸۳)		۱۳۸۴-۱۳۸۵
	متوسط دوره هشت سال	متوسط دوره دو سال اول	متوسط دوره هشت ساله	متوسط دوره ساله اول	متوسط دوره سال اول
ضریب جینی	۰/۳۹۸	۰/۴۰۳	۰/۴۰۳	۰/۳۹۹	۰/۴۰۱
نسبت ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	۱۵/۹	۱۶/۷	۱۵/۲	۱۴/۹	۱۴/۷
نرخ تورم (درصد)	۲۲/۸	۱۲/۵	۱۵/۵	۱۷/۷	۱۱/۱
نرخ بیکاری (درصد)	۱۱/۳	۱۳/۴	۱۳/۰	۱۲/۰	۱۱/۳

مأخذ: مستخرجه (جدول ۶) مستند به منابع و مأخذ مندرج در ذیل جدول مزبور.

- برخی از نمادها و شاخص‌های سال ۱۳۸۶ به صورت رسمی و مکتوب منتشر نشده‌اند، لذا متوسط دوره ۲ ساله ۱۳۸۵-۱۳۸۴ به عنوان دو سال اول با دو سال اول سایر مقاطع مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

* ریشه‌های متوسط سالیانه براساس میانگین هندسی (با استفاده از لگاریتم) مورد محاسبه قرار گرفته‌اند.

ضریب جینی

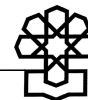
ضریب جینی یکی از شاخص‌های شناخت وضعیت توزیع درآمد است که روند تحولات آن در طی دوره ۱۸ ساله ۱۳۶۸-۱۳۸۵ در جدول ۶ به تصویر آمده است. به طوری که از تعامل جداول ۶ و ۷ ملاحظه می‌شود، علی‌رغم تغییر و تحولات درآمدهای نفتی کشور، ضریب جینی در طول مدت ۱۸ سال، همچنان حول و حوش ۰/۴۰۰ است، به طوری که علی‌رغم درآمد ۶۲/۵ میلیارد دلاری نفت و گاز سال ۱۳۸۵ و ۲۴/۳ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۹ و ۱۴ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۳ ضریب جینی در حدود و ثغور ۰/۴۰۰ بوده و تمایلی به کاهش از این دامنه ندارد.

شایان اشاره است که اندازه ضریب جینی در طیفی بین صفر (نماینده جامعه‌ای با برابری کامل توزیع درآمد) و یک (معرف نابرابری کامل درآمد در جامعه) می‌تواند تغییر کند.

هرچند در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، تلاش‌های فراوانی برای اتخاذ سیاست‌های باز توزیعی درآمد فراهم شد، مع الوصف نباید فراموش کرد که میزان شاخص ضریب جینی همچنان بالاست که این امر مستلزم و نیازمند بازکاوی عمیق در سیاست‌های عدالت اجتماعی است. مع الوصف راهکارهای علمی عملیاتی کردن آن نیازمند تعمق و تأمل بسیار زیادی است.

تورم و بیکاری

به همین ترتیب، علی‌رغم افزایش‌های چشمگیر درآمدهای نفت و گاز، تبعات منفی آن در شاخص‌های رفاه عمومی نظیر بیکاری و تورم نیز همچنان بالا و دو رقمی است که این امر مؤید



فقدان نگاه استراتژیک به مدیریت بهینه و نحوه مصرف درآمدهای نفتی است. به طوری که از جدول ۷ مشاهده می شود در مقطع سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۵ رشد سطح عمومی قیمت ها همچنان روندی صعودی و برعکس در طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ روندی کاهشی را (با دارا بودن نوسانات) سپری کرده است.



گفتار ششم - ضرورت دگرگونی استراتژیک در نوع نگاه به درآمد انرژی‌های تجدیدناپذیر

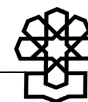
بعید به نظر می‌رسد که اهداف سند چشم‌انداز بدون دگرگونی استراتژیک در نوع نگاه به انرژی‌های تجدیدناپذیر (مانند نفت و گاز) بتواند محقق شود، اگر سند چشم‌انداز نگاهی بیست‌ساله (بلندمدت) به افق توسعه دارد، رویکردهای گوناگونی باید تغییر یابند که از جمله مهم‌ترین آنها، نوع رویکرد به انرژی‌های تجدیدناپذیر است، به عبارت بهتر نوع نگاه به مقوله مدیریت و سازمان‌دهی چگونگی مصرف درآمدهای نفتی نیز باید از افق کوتاه‌مدت خارج شده و نگاهی استراتژیک و بلندمدت داشته باشد.

دولت‌هایی که ماهیت و طبیعت وجودی آنان در زمره دولت‌های توسعه‌گرا و نهادگرا باشند بی‌تردید اهداف و منافع بلندمدت را متقبل می‌شوند، هرچند که طول دوره مدیریت آنها حتی کمتر از دوران یک برنامه پنج‌ساله توسعه باشد.

نگاه دولت‌های توسعه‌گرا فراتر از دوره نسل خویش بوده و رویکردهای اصلاحی آنها به لحاظ آنکه کلان‌تر می‌اندیشند، نسل‌های آینده را نیز شامل می‌شوند، تا ثمرات رشد، بالندگی مستمر و پایدار ناشی از رویکردهای استراتژیک آنها به نسل‌های آتی نیز می‌رسد. دولت‌های توسعه‌گرا، علی‌القاعده دولت‌های بین‌نسلی بوده و به همین جهت اهداف و راهبردهای آنان به‌گونه‌ای است که «کلان» اندیشیده و «خرد» عمل می‌شود.

با شروع سال ۱۳۸۷، نفت در ایران یکصد سالگی تولد تولید خود را پشت سر می‌گذارد. زمانی بود که دولت‌های ایران هیچ اقتدار، منزلت و قدرتی برای تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت نفت نداشتند و فقط درصد نازلی سود از شرکت‌های تابعه دولت‌های بیگانه در قبال تخلیه مخازن زیرزمینی خود دریافت می‌کردند، اما همان‌گونه که نگاه راهبردی به ملی شدن صنعت نفت و نیز سال‌ها پس از آن با پیروزی انقلاب اسلامی مطامع شرکت‌های بیگانه در سایر حوزه‌ها و مداخله آنها در حوزه‌های مرتبط با مصالح ملی خلعید شد، مؤید آن است که نگاه استراتژیک در نوع نگاه به نقش عظیم نفت در زندگی اقتصادی جهان، قاعدتاً نگاه بلندمدتی است که فراتر از نسل حاضر می‌اندیشد.

نگاه استراتژیک به این کالای واسطه‌ای گرانقدر اقتصادی، هرچند در حوزه بین‌الملل با ملی شدن صنعت نفت توانست اصلاحات عمیقی را فراهم کند، اما متأسفانه در حوزه داخلی نتوانست توفیق لازم را کسب کند زیرا در تاریخ یکصدساله تولید نفت، در ایران با دارا بودن حداقل ۶۰ سال تاریخ برنامه‌ریزی استقرار یک نگاه استراتژیک به مدیریت بهینه نفت همچنان مغفول مانده است. به عبارت بهتر سابقه ۶۰ سال تاریخ «اندیشیدن»، «تفکر» و با برنامه کارکردن وجود داشته است، رویکردهای اصلاحی به نظام مدیریت نفت و گاز (و اصولاً انرژی‌های تجدیدناپذیر) به‌لحاظ آنکه نگاه بلندمدتی فراتر از یک برنامه پنج‌ساله میان‌مدت را طلب می‌کرد، اتخاذ نشد و همچنان دیدگاه اقتصاد متکی به نفت (به جای اقتصاد مبتنی بر نفت) دنبال می‌شود. سال‌های بسیار طولانی، شرکت



ملی نفت ایران، همچنان به استخراج نفت و فروش نفت مشغول بوده و درآمدهای حاصله را در اختیار دولت‌های وقت قرار داده و دولت‌ها نیز درآمدهای مزبور را در قالب بودجه‌های سالیانه مصروف هزینه‌های جاری نموده و مانده نازل آن را به هزینه‌های سرمایه‌گذاری عمدتاً فاقد توجیهات اقتصادی و فنی تزریق می‌کنند، به همین علت به‌رغم افزایش منابع ناشی از قیمت بالای فراورده‌های نفتی و درآمدهای نفتی، نرخ رشد اقتصادی ایران، همچنان کند، ناپایدار و در اندازه‌های پایین حداکثر حدود ۶ درصدی است.

برخی از مهم‌ترین حوزه‌های دغدغه و چالشی اقتصاد ایران که ناشی از فقدان دگرگونی استراتژیک در نوع نگاه به مدیریت بهینه نفت تلقی می‌شود به اختصار عبارتند از:

۱. حجم بالای اندازه دولت ناشی از ورود همه‌جانبه دولت به تمامی عرصه‌های تصدی‌گری‌های اقتصادی و متعاقب آن عدم توسعه بخش خصوصی،
 ۲. حجم بالای یارانه‌های آشکار و پنهان غیرشفاف و غیرهدفمند،
 ۳. وجود نرخ‌های تورم دورقمی،
 ۴. حجم شدید واردات برای مقابله با تورم کالاهای قابل مبادله،
 ۵. ناکافی بودن تبدیل ثروت‌های زیرزمینی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و پایدار روی زمین،
 ۶. افزایش حجم خالص دارایی‌های مالی در بودجه‌های سالانه،
 ۷. بهره‌وری پایین سرمایه،
 ۸. کمبود احساس نیاز به ارتقای ظرفیت‌های مالیاتی به‌لحاظ وجود درآمدهای نفتی،
 ۹. بروز شوک‌های اقتصادی ناشی از فراز و نشیب قیمت‌های نفت در حوزه بین‌الملل،
 ۱۰. واقعی نبودن «قیمت‌ها»،
 ۱۱. اخلال در نظام تخصیص منابع به‌ویژه در نظام بودجه‌ریزی کشور،
 ۱۲. بیکاری ناشی از حجم بالای اندازه دولت و عدم توسعه بخش خصوصی.
- به این ترتیب فقط زمانی که نگاهی راهبردی به انرژی‌های تجدیدناپذیر (نفت و گاز) اتخاذ شود یا زمانی که به رشد اقتصادی کشور شتاب لازم بخشیده شود، می‌توان به تحقق اهداف سند چشم‌انداز به‌ویژه کسب مقام اول اقتصادی در منطقه در افق ۲۰ ساله امیدوار بود.



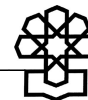
گفتار هفتم - اصلاح و تعدیل قیمت فراورده‌های نفتی به‌عنوان یکی از ضرورت‌های تقنین در عرصه برنامه‌های پنج‌ساله

مقوله یارانه‌ها به‌طور اعم و یارانه حامل‌های انرژی، به‌طور اخص، و غیرمتعارف بودن مصرف آنها (که لاجرم با رشد مصرف، یارانه‌ها را افزایش می‌دهد) و سرانجام یارانه برخی از کالاهای واقع در طبقه‌بندی حامل‌های انرژی (نظیر بنزین و گازوئیل و ...) به‌لحاظ منابع ارزی هنگفتی که سال‌های متمادی برای واردات آن به‌منظور اجابت تقاضا مصروف می‌شود، به یکی از حوزه‌های دغدغه و بسیار چالش‌برانگیز در مجموعه تنگناها و معضلات کشور مبدل شده است.

با سپری شدن سال‌های متمادی تأخیر در زمینه اصلاح قیمت‌ها، معقول کردن مصرف، کنترل منابع ارزی، افزایش تعداد پالایشگاه‌های جدید، اصلاح ساختار پالایشگاه‌های موجود در جهت افزایش بازدهی و ... سبب شده است تا دایره‌ای بسیار کوچک در گذشته، تبدیل به دایره‌ای با شعاع بسیار بزرگ شده و در نهایت موجب بروز ساختارهای ناخواسته‌ای نظیر موارد مشروحه زیر شود:

۱. صرف منابع ارزی سنگین برای واردات برخی از حامل‌های انرژی، نظیر بنزین،
۲. اعطای یارانه‌های سنگین برای بنزین و گازوئیل وارداتی،
۳. انباشت هزینه فرصت ناشی از عدم اصلاح تدریجی و گام‌به‌گام قیمت‌ها،
۴. منفی‌تر شدن خالص تراز دارایی‌های مالی دولت،
۵. برداشت‌های مکرر از حساب ذخیره ارزی،
۶. قاچاق کالاهای استراتژیکی چون بنزین و گازوئیل ... به‌لحاظ وجود مابه‌التفاوت قیمت بالای بهای بنزین یا گازوئیل با قیمت همین کالاها در کشورهای مرزی،
۷. افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی (به‌لحاظ بالا بودن مصرف سرانه هر اتومبیل نسبت به میانگین‌های جهانی) و در حلقه بعدی، مجدداً تأمین اعتباراتی سنگین برای حفاظت محیط زیست و بهبود شاخص‌های آن،
۸. عوامل دیگر.

باید توجه داشت که از یارانه‌ها، دو تعریف مشخص از دو نهاد بین‌المللی می‌توان ارائه داد.



الف) تعریف OECD^۱

یارانه هر معیاری است که^۲

- هزینه خرید کالاها یا خدمات را توسط مصرف‌کننده در قیمتی کمتر از قیمت بازار تعیین کند.
- یا برای تولیدکننده، قیمتی بالاتر از قیمت بازار داشته باشد.
- یا هزینه‌های تولید و مصرف را کاهش دهد.

ب) تعریف آژانس بین‌المللی انرژی^۳

یارانه هرگونه اقدامی است که دولت به‌منظور تحقق اهداف زیر عملی کند:

- هزینه‌های تولیدکننده را کاهش دهد،
- قیمت پرداخت‌شده توسط مصرف‌کنندگان را کاهش دهد،
- قیمتی که عاید تولیدکنندگان می‌شود، افزایش یابد.

نتیجه تعاریف فوق

به‌طوری که از تعاریف دوگانه نهادهای بین‌المللی مزبور نیز استنباط می‌شود، پذیرش یارانه، صرفاً به‌معنای منظور کردن اعتبار در بودجه‌های سالیانه دولت‌ها به‌منظور پوشش‌دهی مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش کالا نیست، بلکه به‌جای استفاده از واژه «هر نوع پرداخت» از واژه‌هایی نظیر «هر نوع معیار» یا «هر نوع اقدام» استفاده شده است. با توجه به این امر هزینه فرصت حامل‌های انرژی یک نوع یارانه محسوب می‌شود.

به‌خاطر داشته باشیم در «هزینه فرصت» از دست رفته، نه تنها «درآمدها» و «فواید» و «فرصت‌ها» را از دست می‌دهیم، بلکه برعکس هزینه‌های سنگین تبعات منفی آن را هم پرداخت می‌کنیم و زیان‌های انباشته این هزینه‌های سنگین بسیار فراتر و پر حجم‌تر از منابع مالی درآمدهایی است که فرصت به‌دست آوردن آنها از دست رفته است.

1. Organization on Economic Co-operation and Development

2. Journal of Economic Survey vol 13, No:22. 1999. P.34.

3. United Nations environment Program Reforming Energy Subsidies, f.18



جدول ۸. نمایش نسبت یارانه‌های انرژی به کل هزینه‌های سرمایه‌گذاری در بودجه عمومی دولت

نسبت یارانه‌های انرژی به کل هزینه‌های سرمایه‌گذاری	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای ^(۲) (میلیارد ریال)	یارانه حامل انرژی ^(۱)		سال
		میلیارد دلار	میلیارد ریال	
۲/۸ برابر	۲۴۰۸۷	۱۵/۲	۶۸۵۵۶	۱۳۸۰
۳/۰ برابر	۵۴۷۵۳	۲۱/۲	۱۶۹۴۲۴	۱۳۸۱
۲/۵ برابر	۷۳۷۹۹	۲۲/۶	۱۸۷۱۵۰	۱۳۸۲
۴/۰ برابر	۷۲۳۰۶	۳۴/۸	۳۰۳۹۲۰	۱۳۸۳
۴/۵ برابر	۱۱۷۶۳۸	۵۹/۰	۵۳۲۷۲۱	۱۳۸۴
۴/۶ برابر	۱۳۸۱۳۸	۷۰/۱	۶۴۵۲۹۲	۱۳۸۵
۵/۸ برابر	۱۴۱۶۶۹	۸۷/۸	۸۲۰۵۶۶	۱۳۸۶

مأخذ:

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،

۲. گزارش‌های مالی دولت (وزارت امور اقتصادی و دارایی).

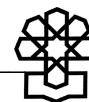
جدول ۹. نمایش نسبت یارانه‌های انرژی به تولید ناخالص داخلی

نسبت یارانه‌های انرژی به تولید ناخالص داخلی (درصد)	تولید ناخالص داخلی ^(۲) (میلیارد ریال)	یارانه حامل‌های انرژی ^(۱)		سال
		میلیارد دلار	میلیارد ریال	
۱۰/۳	۶۶۴,۶۲۰	۱۵/۲	۶۸,۵۵۶	۱۳۸۰
۱۸/۵	۹۱۷,۰۳۵	۲۱/۲	۱۶۹,۴۲۴	۱۳۸۱
۱۷/۰	۱۰۹۵,۳۰۳	۲۲/۶	۱۸۷,۱۵۰	۱۳۸۲
۲۲/۰	۱۳۸۴,۸۱۹	۳۴/۸	۳۰۳,۹۲۰	۱۳۸۳
۳۱/۵	۱۶۸۷,۹۰۵	۵۹/۰	۵۳۲,۷۲۱	۱۳۸۴
۳۱/۶	۲۰۳۸,۴۳۲	۷۰/۱	۶۴۵,۲۹۲	۱۳۸۵
۳۱/۳	۲۶۲۳,۱۷۷	۸۷/۸	۸۲۰,۵۶۶	۱۳۸۶

مأخذ: ۱ و ۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، استخراج و محاسبه: پژوهش.

شایان اشاره است که:

۱. آنچه مسلم است حذف کامل یارانه‌های هر نوع انرژی یا اصولاً اصلاح قیمت آنها با سطوح بالای قیمتی به صورت یکباره و دفعی، قاعداً اقدامی شوک‌آور و دربرگیرنده عوارض و تبعات منفی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود و از این جهت برخلاف نظر عده‌ای از اقتصاددانان که چنین روشی دفعی و یکباره را پیشنهاد می‌دهند، اقدامی بسیار پیچیده بوده و خالی از تبعات نخواهد بود.
- از این جهت روند اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، به‌ویژه فرآورده‌های نفتی (و به‌طور اخص بنزین و گازوئیل) باید با استفاده از یک شیب تدریجی برنامه‌ریزی شده صورت پذیرد تا:



الف) از بروز شوک‌های منفی و حساسیت‌زای شدید احتراز شود،
ب) فرصت مورد نیاز برای ایجاد عادت‌پذیری و تطابق با شرایط جدید برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فراهم شود،

ج) عوارض و تبعات حاصله برای طبقات اجتماعی قابل تحمل باشد.
د) فرصت کافی برای تدوین و اجرای سیاست‌های جبرانی و سیاست‌های غیرقیمتی فراهم شود.
۲. در تعدیل قیمت حامل‌ها قطعاً باید برنامه‌های حداقل میان مدتی طراحی شود.

۳. برای اصلاح یا تعدیل قیمت‌ها، باید «قیمت‌های هدف» مشخص شوند به‌عنوان مثال:
الف) آیا قیمت‌های هدف، کاهش فاصله بین تفاوت قیمت مصرف‌کننده و قیمت فوب خلیج‌فارس است،

ب) یا تفاوت قیمت بین قیمت مصرف‌کننده و قیمت‌های کشورهای منطقه موردنظر است؟
ج) ممکن است در تعیین قیمت‌های هدف، قیمت مصرف‌کننده در کشورهای خاصی موردنظر باشد که در این حالت، تعدیل قیمت شامل کاهش فاصله قیمت مصرف‌کننده ایرانی با قیمت هدف کشور خاص خواهد بود.

۴. در تعدیل قیمت‌ها، حتماً باید «افق‌های گوناگونی از اهداف» طراحی شوند. برای مثال اهدافی نظیر «تسریع در روند توسعه اقتصادی» یا «کاهش ناعادلانه بودن توزیع درآمدها» می‌توانند افق‌های این اهداف باشند.

در این حال می‌توان هر دو هدف را به موازات هم برنامه‌ریزی و اجرا کرد.



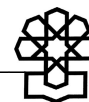
گفتار هشتم - رسالت‌ها و مأموریت‌های اصلی تغییر رویکرد در مدیریت و برنامه‌ریزی درآمدهای نفتی

۱. ایجاد زمینه‌های پشتیبانی از توسعه اقتصادی و تسریع در روند رشد،
۲. توسعه مناطق محروم،
۳. حمایت از طبقات اجتماعی کم‌درآمد و اعطای یارانه به طبقات محروم،
۴. اجرای طرح‌های مشخص تسریع در رشد و توسعه اقتصادی،
۵. ارتقای بهره‌وری نظام اقتصادی از طریق آزادسازی یا تعدیل قیمت‌ها،
۶. کاهش اتلاف منابع مالی حجیم ناشی از غیرهدفمند بودن یارانه‌ها،
۷. اصلاح ساختار (درآمد - هزینه) نهادهای تولیدکننده محصولات انرژی‌زا،
۸. اصلاح ساختار کلی تولید به‌طور اعم به لحاظ تغییر نظام توجیه اقتصادی - فنی محصولات تولیدی،
۹. بهینه شدن مصرف انرژی بین دهک‌های درآمدی،
۱۰. مدیریت بهینه مصرف انرژی،
۱۱. ارتقای شفافیت و عملکردهای بین دولت و بنگاه‌های دولتی،
۱۲. کاهش رانت ناشی از تفاوت قیمت عرضه و قیمت‌های مرزی و در نتیجه قاچاق کالاهای یارانه‌ای،
۱۳. کاهش فشار بر منابع بودجه عمومی دولت.

نتیجه‌گیری

یکی از الزامات بنیادین برای اصلاح نظام اقتصادی و به‌ویژه عملیاتی کردن سند چشم‌انداز در جهت تحقق اهداف آن بی‌تردید مبدل ساختن نظام اقتصادی ایران از یک «نظام متکی بر نفت» به «یک نظام مبتنی بر نفت» به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر است. مقوله‌های نفت، دولت و توسعه در ایران به‌گرمه فوق‌العاده پیچیده‌ای تبدیل شده‌اند که بدون انجام تغییرات اساسی در این سه بُعد، به‌راستی امکان اصلاحات بنیادین در کشور وجود ندارد و به تبع آن تحقق اهداف سند چشم‌انداز میسر نخواهد شد.

اتکای شدید دولت به نفت و درآمدهای نفتی و به‌ویژه ماهیت و عملکرد سیاست‌های متخذه در پیرامون آن موجبات یک سلسله تبعات ناگوار اقتصادی دیگری را از جمله: افزایش غیرمتعارف حجم



نقدینگی، بالا بودن نرخ تورم، افزایش نرخ بیکاری، وابستگی شدید بودجه به درآمدهای نفتی، حجم بالای واردات به‌ویژه کالاهای مصرفی، شکل‌گیری تبعات منفی در تجارت خارجی ایران علی‌الخصوص در ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و ... نظایر آن را فراهم کرده است.

تا زمانی که رویکرد مصرف منابع ارزی نفت اصلاح نشود، اقتصاد ایران نباید منتظر تحقق اهداف سند چشم‌انداز باشد. تعیین جایگاه حقیقی نفت در اقتصاد ایران و مدیریت مصرف درآمدهای حاصل از آن، یکی از الزامات تقنینی و نظارتی مجلس هشتم باید تلقی شود. در این گزارش با تأکید شدید بر اینکه یکی از وظایف تاریخی و حساس مجلس هشتم باید تجدید سازمان‌دهی و مدیریت جایگاه نفت و درآمدهای حاصل از آن برای توسعه کشور و عملیاتی شدن اهداف سند چشم‌انداز از بُعد تقنینی و نظارتی باشد، حساسیت این جایگاه مورد بازکاوی قرار گرفت.



شماره مسلسل: ۹۳۶۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ضرورت‌های تقنین در عرصه سند چشم‌انداز (ضرورت دگرگونی راهبردی در مدیریت انرژی‌های تجدیدناپذیر)

Report Title: Legislation necessities in area of Perspective Document: Strategic Change in connected with management and Approach of unrevival energies.

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: افشین حیدرپور

ناظر علمی: بهروز تصدیقی

داور: حسن سبحانی

متقاضی: جهانبخش محبی‌نیا (عضو هیئت رئیسه مجلس)، حسین فدایی (عضو کمیسیون اصل نودم)

ویراستار تخصصی: بهروز تصدیقی

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. سند چشم‌انداز (Perspective Document)

۲. تجدیدناپذیر (Unrevival)

۳. نگرش و تلقی (Approach)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۹/۱۶